



پیش!

دامن زدن به نفاق و تقابل راه حل نیست!



گروه کار ملی - قومی حزب چپ ایران

وقایع روزهای اخیر در ارومیه، شهری که تنوع اتنیکی و مذهبی ساکنانش از دیرباز یک چهره‌نمای اصلی آن است، جشن‌های نوروزی را که حلقه‌ی وصل و وحدت دیرینه‌ی ایرانیان و نماد یگانگی در ارومیه‌ی آذربایجان نیز است، بدل به صحنه‌ی صف‌آرایی بسیار تأسف‌آور و هشداردهنده‌ی نفاق و نثار کرده‌است.

تردید نداریم که آغازگر پشت‌پرده هرکس و یا هر نیرویی که بوده‌باشد، هدفش حل مشکلات نیست، بلکه به دنبال چیز دیگری است. بستر پر از درد و رنجی که در نتیجه‌ی سال‌های طولانی اعمال تبعیض و نفی حقوق ملی از جمله کردها و ترک‌ها در این سرزمین کهن جاری بوده و هست، آن‌چنان داغ است که با کوچک‌ترین دستکاری از طرف حکومتیان و دیگر خودخواهان به سرعت هیجان‌های فروخته را به غلیان آورده، خشمی را که باید حاکمان مرکزگرا را به عنوان مسبب اصلی وضع موجود نشانه بگیرد، به سوی همسایه و همکار و همشهری منحرف می‌کند. تقابل و تخاصم اتنیکی چنان زهری است که حتی ارزیابی دقیق از چگونگی شکل‌گیری این رخداد را هم مشکل می‌کند و مانع از یک داوری دقیق در مورد سربرآوردن حادثه می‌شود. هم از این‌رو تمرکز بر یافتن مقصر در میان ترک‌ها و کردها و یا گشتن پی لحظه‌ی وقوع حادثه از لابلای رخداد‌های زنجیره‌ای تلاشی است گمراه‌کننده و بی‌فایده. باید به سابقه‌ی امر و گذشته پرداخت تا در آینه‌ی آن امروز را فهمید و بیم از فردا را به چاره برآمد.

نوروز تعلق به همه‌ی ما دارد و ترک و کرد نمی‌شناسد. پس اشکال در این نیست که چرا بخشی از مردم بخواهند آن را با دعوت از جمعیت اطراف شهر به برگزاری هرچه گرم نوروز و نوبهار شکوه بیشتری بدهند. مشکل در این است که اصل هماهنگی و نهاد سازمان‌گری در این زمینه‌ها، آن‌هم در فضای آلوده به پیش‌داوری‌ها و سوءظن‌ها، غایب است. رعایت اصل نیازین هماهنگی‌های پیشاپیش و در نظر گرفتن حساسیت‌های موجود بین صفوف ضرورتی است که در این مورد به فراموشی سپرده شده‌است و همین

کمبود آگاهانه و ناآگاهانه است که نمی‌گذارد هم‌افزایی بهارانه‌ی ضرور جای خزان برگ‌ریزان نالازم را بگیرد. اینجاست که باید هشدار داد که از دل این غفلت نمی‌تواند کانون تنش سر برنیآورد.

از جانب دیگر برگزاری مراسم سالگرد شهادت امام علی، امام اول شیعیان، حق باورمندان است. اما تبدیل این عزاداری به سنگر بندی قومی و مذهبی و نمایش تهدیدآمیز با چوب و چماق، دیگر صرفاً تحریک نیست، بلکه بیان از نقشه‌کار حکومتی دارد. حکومتی که در برابر چالش‌های بزرگ اقتصادی، سیاسی و... مستاصل مانده و قادر به حل مشکلات معیشتی مردم که از پایه‌ای‌ترین نیازهاست ناتوان است. انباشت نارضایتی‌های ناشی از بی‌کفایتی حاکمان، محرومیت‌ها و محدودیت‌های عدیده‌ی جوانان، انزجار از وضع موجود را به بالاترین میزان خود رسانده و برای حکومتیان چه راهی بهتر از این می‌ماند که با شگردهای آزموده و هدفمند بر کوره‌ی اختلافات قومی بدمند تا گریبان خویش از دستان مردم برهاند.

اما در این مسیر نقشه‌ی حکومتیان بر آب خواهد بود اگر نباشند آنانی که هویت‌طلبی را با تمامیت‌خواهی یکسان گرفته‌اند و محترم شمردن دیگری را نفی خود می‌پندارند. تلخی این نروز در ارومیه هشدار مجددی است از رشد پدیده‌ای که بسیار نگران‌کننده است. این شکافی است که با راه‌کارهای افراطی و آمرانه، چه از نوع ترک‌گرایی و چه کوردایتی و چه مرکزگرایی مبتنی بر تبعیض، تعمیق خواهد رفت و برعکس در بستر رفع دموکراتیک تبعیض ملی در این دیار مشترک پر خواهد شد. اما هنوز در نظامی دموکراتیک به سر نمی‌بریم و شاید هرگز به آن نرسیم اگر از همین امروز با روش‌ها و منش‌های دموکراتیک و با پذیرش حق برابر هر فرد و قوم و ملتی در بروز آزادانه‌ی اراده‌ی خویش به اقدام مشترک برای حل مشکلات و یافتن راه‌حل‌های پایدار آستین بالا نزنیم. خطاست هرگاه که رفع معضلات موجود صرفاً به آینده‌ی دموکراتیک حواله داده شود. از همین امروز است که باید سیاست‌ها، روش‌ها و نهادهای دموکراتیک وارد عمل شوند. راه‌حل‌های آتی از تعدیل مشکلات امروز می‌گذرد. ارومیه متعلق به همه‌ی اهالی آن است؛ چه آنانی که جد اندر جد ترک هستند و چه کردهایی که از دیرباز و یا در سال‌های معاصر در آن سکنی دارند، همان‌گونه که آرامنه و آشوری‌ها از قدیم‌الایام ارومیه‌ای بوده و هستند. تاریخ تمام ملت ایران، تاریخ همزیستی در عین پذیرش تنوع است و این میراث گران‌بها را باید پاس داشت. این مردمان به همزیستی دموکراتیک هم‌افزا نیاز دارند، نه به نفاق و تقابل.

نباید فراموش کرد که عامل اصلی خطرات در این زمینه‌ی مستعد و حاوی نفاق و نثار، همانا و هر زمان در وهله‌ی نخست حکومت‌هایی هستند که بنای حکمرانی‌شان بر بقا و قوام تبعیض است و جمهوری اسلامی نیز یک نمونه از آن است. ذره‌ای هم نباید تردید داشت که عوامل حکومتی در ایجاد تنش‌های قومی نه فقط هیزیم‌بیار معرکه، که دامن‌زننده به آن‌ها هستند تا نان خود را در این تنور نفرت بپزند.

ما ضمن دعوت از همه‌ی هم‌وطنان ترک و کرد ارومیه‌ای به توقف روند مخاطره‌آمیز روزهای اخیر، خطاب به مجموعه‌ی فعالین سیاسی و مدنی فراخوان همیشگی خود مبنی بر شکل‌گیری انجمن‌ها و نهادهای دوستی میان اتنیک‌ها در مناطق چند اتنیک‌ی کشور و مشخصاً در همین ارومیه و نرده و... تکرار می‌کنیم و آمادگی خود برای شکل‌دهی این نهادهای دوستی و همیاری‌ها را اعلام می‌کنیم. پیش‌شرط‌های قابل‌اتکا در این مسیر کم نیستند، آن‌چه که لازم است به میدان آوردن همت عمومی است؛ چرا که آرامش و امنیت کنونی و سعادت عمومی آتی نیز در گرو همین شراکت در حل معضلات است. تکرار می‌کنیم که برای پاسخ‌دهی به این نیاز همین امروز هم دیر شده، چه بماند که موکول به فردا شود.

گروه کار ملی - قومی حزب چپ ایران

دوشنبه ۴ فروردین ۱۴۰۴ - ۲۴ مارس ۲۰۲۵

• چاپ

Source URL: <https://bepish.org/node/12001>